



# مداخلات ایرانیان

شاهنشاهی هخامنشی، آتن و اسپارت ۳۸۶ - ۴۵۰ قبل از میلاد

نویسنده:

جان هایلند

ترجمه:

دکتر محمد ملکی

بنام خداوند جان و خرد

## مداخلات ایرانیان

شاهنشاهی هخامنشی،

آتین و اسپارت ۴۵۰-۳۸۶ قبل از میلاد

جان هایلند

ترجمه دکتر محمد ملکی

انتشارات شفيعی

۱۳۹۸

سرشناسه	: هایلند، جان او. ۱۹۷۷-م. Hyland, John O. ۱۹۷۷-
عنوان و نام پدیدآور	: مداخلات ایرانیان : شاهنشاهی هخامنشی، آتن و اسپارت ۴۵۰-۳۸۶ قبل از میلاد/جان هایلند ؛ ترجمه محمد ملکی.
مشخصات نشر	: تهران: شفیعی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۲ص.
شابک	: ۸-۷۶-۷۸۴۳-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی : Persian interventions : the Achaemenid Empire, Athens, and Sparta, [ ۳۸۶-۴۵۰ B.C.E. ] ۲۰۱۸BCE.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: شاهنشاهی هخامنشی، آتن و اسپارت ۴۵۰-۳۸۶ قبل از میلاد.
موضوع	: سلسه هخامنشیان -- ۵۲۱ - ۴۴۵ ق.م.
موضوع	: -- Achaemenid dynasty ۵۵۹- B.C. ۳۳۰ B.C.
موضوع	: امپریالیسم -- نمونه پژوهی
موضوع	: Imperialism -- Case studies
موضوع	: اسپارت (شهر باستانی) -- روابط خارجی
موضوع	: Foreign relations -- Sparta (Extinct city)
موضوع	: آتن (یونان) -- روابط خارجی
موضوع	: Foreign relations -- Athens (Greece)
موضوع	: یونان -- تاریخ -- از آغاز تا ۱۴۶ ق. م.
موضوع	: -- To -- History -- Greece ۱۴۶ B. C
موضوع	: ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۲۱ - ۴۴۵ ق.م.
موضوع	: -- History -- Achaemenians -- Iran ۵۲۱- ۴۸۵ B. C
شناسه افزوده	: ملکی، محمد، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۲۱۹DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۵۰۱۳۹

## مداخلات ایرانیان

شاهنشاهی هخامنشی، آتن و اسپارت ۴۵۰-۳۸۶ قبل از میلاد

جان هایلند

ترجمه دکتر محمد ملکی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

چاپ و صحافی: هورنو

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

شابک: ۸-۷۶-۷۸۴۳-۹۶۴-۹۷۸

با کمال خضوع و خشوع تقدیم می شود به:

اولین و بزرگترین استادم، پدرم زنده یاد حاج عبدالعلی ملکی  
و زیباترین اتفاق زندگی ام، دخترم آوا



## فهرست

- دیاچه مترجم ..... ۹
- فصل یکم: ایران هخامنشی و یونانیان محصور در دریا** ..... ۱۱
- مدل سنتی: تعادل آتن و اسپارت ..... ۱۸
- تصویر برتری جهان ایرانیان ..... ۲۲
- یک رویکرد جدید: جاه‌طلبی و محدودیت در روابط یونانیان ایران ..... ۲۸
- فصل دوم: اردشیر یکم و صلح آتنیان** ..... ۳۷
- صلح کالیاس: از منظر ایرانیان ..... ۳۹
- هزینه‌های صلح: از دست دادن ایونیه و اقدامات متقابل احتمالی ..... ۴۴
- پس‌انداز صلح: کاهش نیروی دریایی و منافع اقتصادی ..... ۵۳
- مزایای صلح: تجارت آتن و ایران ..... ۶۵
- ایدئولوژی صلح: پیروزی ایران و دولت دست‌نشانده آتنی ..... ۶۹
- پایبندی به صلح: مدل جنگ سرد و شورش ساموسی‌ها ..... ۷۵

- فصل سوم: جنگ پلوپونزی و مسیر مداخله..... ۸۱
- اردشیر یکم و جنگ پلوپونزی‌ها..... ۸۳
- داریوش دوم و آتن: از دوستی تا دشمنی..... ۹۱
- سیسیل، خراج و مداخلات داریوش..... ۹۶
- عوامل مداخله: ساتراپ‌های جدید داریوش..... ۱۰۱
- مداخله در مذاکره: ساتراپ‌ها، ایونیا و اسپارت..... ۱۰۶
- فصل چهارم: جنگ تیسافرئس و پیمان ۴۱۱..... ۱۱۱
- جنگ ایونیان و مقاومت آتیان..... ۱۱۳
- پیروزی بر آمورگس..... ۱۱۹
- بازنگری در شرایط اتحاد..... ۱۲۴
- نزاع با اسپارت و تماس با آتن..... ۱۳۵
- پیمان ۴۱۱..... ۱۴۵
- فصل پنجم: نیروی دریایی پادشاه و عدم موفقیت مداخله ساتراپ‌ها. ۱۵۳
- کشتی‌های داریوش و دستمزدهای تیسافرئس..... ۱۵۵
- اخراج پادگان ایونیان..... ۱۶۲
- فراخواندن ناوگان سلطنتی..... ۱۷۰
- ساتراپ‌ها در هلسپونت..... ۱۷۹
- الوار فارنا بازوس..... ۱۸۷
- فصل ششم: کورش کوچک و پیروزی اسپارت..... ۱۹۱
- ساتراپ‌ها در وضعیت تدافعی..... ۱۹۳
- داریوش و سفارت بویوتی‌ها..... ۲۰۳
- فرمانبرداری کورش..... ۲۰۸

- ۲۱۶ ..... فاجعه کورش و اسپارتیان
- ۲۲۲ ..... مسیر کورش و لیساندر برای پیروزی
- ۲۲۹ ..... پیروزی پارس: هزینه‌ها و مزایا
- ۲۳۵ ..... فصل هفتم: اردشیر دوم و جنگ با اسپارت
- ۲۳۷ ..... کورش و از دست دادن ایونیا برای بار دوم
- ۲۴۶ ..... تیسافرئس و تهاجم اسپارتیان
- ۲۵۹ ..... تشدید نیروی دریایی و سقوط تیسافرئس
- ۲۷۳ ..... آتش‌بس تیرائوستس و دفاع فارنا بازوس از شمال
- ۲۸۱ ..... ناوگان اردشیر و پیروزی در کنیدوس
- ۲۹۱ ..... فصل هشتم: ایران، جنگ کوریتیان و صلح شاه
- ۲۹۳ ..... ماموریت تیموکراتس در یونان
- ۲۹۷ ..... انتقام فارنا بازوس
- ۳۰۲ ..... کونون و کمک ایران به آتن
- ۳۰۷ ..... حماقت تریبازوس و مذاکرات صلح ۳۹۲
- ۳۱۸ ..... استروتاس و ناکامی آتنیان
- ۳۲۵ ..... صلح شاه
- ۳۳۳ ..... نتیجه‌گیری
- ۳۳۹ ..... کتاب‌شناسی
- ۳۷۵ ..... نمایه





## دیباچه مترجم

جان هایلند مدرک لیسانس خود را در رشته تاریخ از دانشگاه کرنل و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته تاریخ باستان از دانشگاه شیکاگو دریافت کرد و از سال ۲۰۰۶ در دانشگاه کریستوفر نیوپورت مشغول تدریس یونان باستان، ایران هخامنشی، رم باستان و تاریخ جنگ است. حوزه تحقیقاتش ایران هخامنشی (قرن ششم-چهارم پیش از میلاد)، یونان کلاسیک (قرن ۵ تا ۴ قبل از میلاد)، آناتولی باستان (لیدیا، لیکیا، کاریا)، جنگ باستان و امپریالیسم است. وی در تحقیقات خود به بررسی روابط بین شاهنشاهی پارسی هخامنشی و یونانیان باستان می‌پردازد. او در کتاب *مداخلات ایرانی: شاهنشاهی هخامنشی، آتن و اسپارت ۴۵۰-۳۸۶* پیش از میلاد، که توسط انتشارات دانشگاه جان هاپکینز در سال ۲۰۱۸، به زبان انگلیسی به چاپ رسانده است، دیدگاه متعارف از تعامل بین شاهنشاهی ایرانی هخامنشی و دولتهای یونان را به چالش می‌کشد. عمده گزاره‌های تاریخی، که کتاب بر پایه آن تدوین شده است، از مورخان یونان باستان سرچشمه گرفته است و نویسنده تا حدودی با دیدی انتقادی سعی در ارائه یک چهره منصفانه از سیاست شاهنشاهان هخامنشی در دوران اردشیر یکم، داریوش دوم و اردشیر دوم تا سال ۳۸۶ و انعقاد پیمان آنتالکیداس دارد. فرمانروایان هخامنشی که در کتیبه‌های پارسی باستان، با

عنوان شاهنشاه از آنها یاد می‌شود در متون یونانی و برخی از نویسندگان سده‌های اخیر غرب همواره به اشتباه از آنها با لفظ شاه یاد می‌شود و قلمرو آنها را امپراتوری خوانده‌اند، در حالی که فرمانروایان ایران باستان، شاهنشاه و قلمرو آنها، شاهنشاهی است. مترجم در ترجمه این کتاب تا جایی که امکان داشته از کاربرد واژگان و عناوینی که مغایر با ادبیات تاریخی ایران عزیزمان باشد، خودداری کرده است و امید می‌دارد که پژوهندگان و خوانندگان ایرانی از کاربرد برخی واژگان و عناوینی که متعلق به فرهنگ‌های دیگر اقوام می‌باشد و خواسته و ناخواسته بر ما در سالیان گذشته از سوی برخی نویسندگان و مترجمان ناآشنا با تاریخ ایران تحمیل شده خودداری کنند. مترجم همه جا و بخصوص در کلاس‌های درسش بر این مسئله مهم تاکید می‌کند و برای پرهیز از چنین اشتباهات فاحشی به کلیه خوانندگان بخصوص دانشجویان تاریخ توصیه می‌کند که از کتاب‌ها و کلاس درس اساتیدی که در آن حوزه تخصصی ندارند پرهیز کنند و از کتاب‌ها و درس اساتیدی استفاده کنند که سالها در آن حوزه مطالعه و تحقیق کرده و به موفقیت‌هایی نائل شده‌اند، استفاده کنند. کتاب پیش‌رو حاصل دو دهه مطالعه مستمر و تدریس و تحقیق نویسنده است که با علاقه و وسواس فراوان به نگارش آن همت گماشته است. در پایان از همسر عزیز و دختر نازنینم، به خاطر صبوری در طول ترجمه این کتاب، تشکر می‌کنم و از مدیر مسئول محترم انتشارات شفیعی نیز به خاطر همکاری در انتشار این کتاب و کتاب رویدادنامه مختصر اواخر دوره ساسانیان و اوایل اسلام، بی‌نهایت متشکرم.

محمد ملکی

دی‌ماه ۱۳۹۸

## ایران هخامنشی و یونانیان محصور در دریا

از قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد، سلسله ایرانی هخامنشی بر بزرگ-ترین شاهنشاهی، که تا آن زمان روی زمین دیده شده بود، حکومت می-کرد. یونی‌ها یا ایونی‌ها از جمله دورترین و مشکل‌آفرین‌ترین رعایای آن بودند که شامل ایالت‌های بیشماری در دولت‌شهرهای سواحل آناتولی، جزایر اژه و جمعیت انبوهی در سرزمین‌های کوهستانی بودند. شاهنشاهان بزرگ، داریوش یکم و خشایارشا ادعای سلطه بر همه یونانیان، از جمله «یونانیان محصور در دریا» را در سر داشتند، اما در سال ۴۷۹-۴۸۰، ائتلافی از دولت‌شهرهای خارج از کشور از جمله شهرهای برجسته اسپارت و آتن توانست حمله بزرگ ایرانیان را دفع کند.<sup>۱</sup> اسپارت به این پیروزی تدافعی قانع بود اما آتن خود را از تسلط اسپارت رها کرد و موضع تهاجمی بر ضد پارسی‌ها، با استفاده از نیروی دریایی قدرتمند خود برای حفاظت از ساکنان یونانی جزایر دریای اژه، اتخاذ کرد و دوباره جانب ایرانیان اژه را گرفت تا از هژمونی اسپارت در امان بماند. شاهنشاهان بعدی هخامنشی پروژه‌های فتح سرزمین‌های درون دریای اژه را دور انداخته و به دنبال ابزاری مؤثرتر برای به دست آوردن نفوذ در آن سوی دریا بودند.

---

1- XPh §3; cf. DSe §3, DPe §2. For the Persian terminology, see Seager and Tuplin 1980, 146-49; Sancisi-Weerdenburg 2001; Kuhrt 2002, 21; Rollinger 2006a and 2006b; Root 2007, 178-79.

اردشیر یکم پس از رها کردن خصومت با آتن از اواسط همان قرن، تصمیم گرفت در اخذ مالیات یونانی‌های ایونی، که قبلاً خراج شاهنشاهی را پرداخت کرده بودند، با مدارا عمل کند. صلح چندین دهه به طول انجامید که مشخصه آن افزایش تماس‌های اقتصادی و فرهنگی بین آتنی‌ها و ایران در مباحث مربوط به مدیترانه شرقی بود. در سال ۴۳۱، اسپارت و متحدان پلوپونزی‌اش، جنگی را برای سرنگونی قدرت آتنی‌ها آغاز کردند و امیدوار بودند که ایران به کمک آنها بیاید. اردشیر سفیرانی از جانب اسپارت به حضور پذیرفت اما هیچ قولی به آنها نداد و پسرش داریوش دوم به زودی پس از به قدرت رسیدن در سال ۴۲۳، دوستی ایران با آتن را تجدید کرد.

یک دهه بعد، هنگامی که آتن با شورشیان قلمرو ایران در آناتولی ارتباط برقرار کرد و بیشتر کشتی‌های جنگی خود را در یک حمله تهاجمی به سیسیل از دست داد، داریوش رویه پیشین خود را تغییر داد و در جنگ پلوپونزی‌ها مداخله کرد. پادشاه، شهرهای ایونی را بازپس گرفت و نمایندگان به جانب اتحادیه اسپارت روانه کرد و به آنها کمک‌های مالی برای پیشبرد جنگ کرد تا بتواند بر بقایای نیروی دریایی آتنیان غلبه کند. اما شایعات سقوط آتن هنوز زودرس بود. زیرا مداخله داریوش هشت سال به طول انجامید و با مشاجرات تند بر سر دستمزد، فاجعه دریایی اسپارتیان و لغو یک لشکرکشی برنامه‌ریزی شده توسط ناوگان فنیقی ایران آشکار شد. در پایان، پس از اخذ تدابیر گسترده توسط داریوش و پسرش کورش تصمیم به جنگ به نفع اسپارت گرفته شد. با این وجود، مرگ پادشاه در سال ۴۰۴، به همراه شورش کورش علیه سلطنت جدید، نقش ایران را به عنوان حامی اسپارت خدشه‌دار کرد.

در سال ۳۹۹، اردشیر دوم با جنگ اسپارت و ادعای سروری اش بر یونانیان شورشی، که در نتیجه شکست کورس شورش کرده بودند، مواجه شد. جدایی هم‌زمان مصر از شاهنشاهی، چالش‌های بزرگ‌تری را به وجود آورد. به مدت نیم دهه، با وجود مذاکرات مکرر، فرماندهان پارسی نتوانستند نیروهای اسپارتی را از ایونیه خارج کنند. وقتی که ناوگان پارسی، مشارکت نوپای اسپارت و مصر را قطع کرد و نارضایتی یونان از تسلط اسپارت در جنگ کورینتی‌ها فوران کرد، این اتفاق به نفع اردشیر تمام شد. اسپارتی‌ها در سال ۳۹۴ از سراسر دریای اژه عقب‌نشینی کردند و نیروی دریایی ایران از این فرصت استفاده کرد و ناوگان اسپارت را در نبرد کینیدوس نابود کرد و شهرهای ایونی را دوباره به چنگ آورد. ایران به این کار قانع نشد و به تجهیز مخالفان یونانی اسپارت پرداخت و استحکامات آتنی را دوباره بازسازی کرد. اما هنگامی که اسپارت در سال ۳۹۲ به ایران تسلیم شد، آتن با شرایط صلح مخالفت کرد و اردشیر از بستن توافق با اسپارت به تنهایی امتناع ورزید. وی پس از پنج سال، بار دیگر اوضاع بغرنج و ناگوار را، با برگرداندن پشتیبانی نیروی دریایی به اسپارت و وادار کردن آتن به توافق، حل کرد. هر دو شهر و متحدان آنها، صلح پادشاه را در اوایل سال ۳۸۶ پذیرفتند و پیش‌زمینه برای داوری ایران در جنگ‌های یونان در خارج از کشور و مالکیت ایران بر یونانیان ایونیه برای نیم قرن تا ظهور اسکندر بزرگ تضمین کردند.

این دوره مداخله‌گراییانه رهاورد یک مورد پرارزش برای مطالعه امپریالیسم باستان است که مهاجم‌های معروف یونانیان را پیچیده‌تر می‌نماید. مشارکت ایران در جنگ‌های پلوپونزی و کورینتی نه تنها به هژمونی اژه‌ای آتن پایان داد بلکه باعث شد اسپارت دوباره جای خود را پس بگیرد و توانایی شاهنشاهان بزرگ در شکل دادن وقایع در حاشیه جهان خود بار

دیگر برای همه روشن شود. این توجه ایران به یونان بدان معنی نیست که یونان دغدغه اصلی پارس بود - بلکه روابط با مصر و سایر مناطق از اهمیت بیشتری برخوردار بودند.<sup>۱</sup> اما برخوردهای یونانی-پارسی بهتر از سایر جنبه-های روابط خارجی این کشور مستندسازی شده است. فعالیت‌های آن بین ۴۵۰ تا ۳۸۶ پیش از زشمندی از تعامل بین جاه‌طلبی‌های شاهنشاهی و حصر قدرت در مرزهای دور ایجاد می‌کند.

گفته می‌شود، پیچیدگی هر دو موضوع و شواهد باقیمانده، تفسیر روابط خارجی ایران را به یک امر ترسناک تبدیل می‌کند. منابع اصلی، آثار تاریخی معاصران آتنی است - تاریخ توکودیدس در جنگ پلوپونزی و پشت بند آن در هلنیکای کسنتُن، موازی با آناباسیس، خاطرات کسنتُن از خدمات مزدوری در شورش کورس و پس از آن است. هر دو نویسنده هوشمندانه و بعضی اوقات با احساس همدردی راجع به دلایل اقدامات ایرانیان تاریخ خود را تصنیف می‌کنند اما آنها از روی آگاهی می‌توانند مرتکب اشتباهاتی شوند و اطلاعات را آشکارا از بین ببرند و هخامنشیان را به‌عنوان بازیگران کمکی در روایات هلنیستی معرفی کنند.<sup>۲</sup> در مورد متون مرتبط دیگر، از جمله نسخه خطی ناشناس و قطعه‌ای که به عنوان *Hellenika Oxyrhynchia*، تاریخ قرن چهارم یونان نیز شناخته می‌شود و در ادامه کارهای توکودیدس، اما متفاوت از کسنتُن در فراوانی نکات مختلف است، می‌توان ادامه‌دهنده این رویه خواند؛ نقل قول‌های موجود،

1- Cf. Lewis 1977, 133; Keen 1998c, 93-94; Cawkwell 2005, 1; Harrison 2011b, 44-45; Brosius 2012, 150-51; Ruzicka 2012, xix-xx.

۲- برای ارائه توکودیدس از ایران، به مآخذ زیر مراجعه کنید:

Andrewes 1961; Cawkwell 1997b, 15-16; Wiesehöfer 2006b; Hyland 2007; Munson 2012; Hornblower 2008, 766-71. For Persia in Xenophon's Anabasis and Hellenika, see Hirsch 1985; Briant 1995; Dillery 1995, 99-122; Petit 2004; Tuplin 2004.

عمدتاً از تواریخ از دست‌رفته افوروس و تئوپومپوس تاریخ‌نویسان قرن چهارم هستند؛ تاریخ جهانی قرن یکم قبل از میلاد دیودوروس متکی به روایات افوروس است؛ و زندگی‌نامه‌نویسی‌های قرن یکم میلادی پلوتارک نیز بر پایه این روایات تدوین شده است.<sup>۱</sup> یک خلاصه بیزانسی از پرسیکای قرن چهارم کتسیاس، ستایشی از زندگی شهوت‌پرستانه دربار هخامنشی است که، بجز چند جزئیات قابل قبول درباره مبارزات جانشینی داریوش دوم و اردشیر دوم، چیزی درباره جنگ‌های پلوپونزی نمی‌گوید.<sup>۲</sup> به طور کلی، منابع یونانی مبانی یک داستان مفصل اما هنوز ناقص و یک طرفه از تعامل ایران و یونان را ارائه می‌دهند.

ایرانیان هیچ گزارشی از جنگ با یونانیان ندارند. برخلاف پیشینیان آشوری خود، هخامنشیان شرح وقایع مبارزات سلطنتی را ننوشتند، و مکاتبات کاخ‌شان و پیشینه نظامی آنها برجای نمانده است.<sup>۳</sup> اما اسناد موجود برخی از جنبه‌های مربوط به شاهنشاهی ایران را روشن می‌کند، از روش‌های استخراج اقتصادی گرفته تا ایدئولوژی حکومت جهانی، که زمینه‌های ارزشمندی برای درک روایت‌های دیپلماتیک و نظامی یونان دارد.<sup>۴</sup>

۱- برای مورخ اکسینکس، ببینید:

Bruce 1967; McKechnie and Kern 1988; Occhipinti 2016. For Ephoros and Diodorus on Persia, see Tuplin 2013b. For Plutarch and Persia, see Binder 2008.

2- See Stevenson 1997; Lenfant 2004; Llewellyn-Jones and Robson 2010; Wiesehöfer, Lanfranchi, and Rollinger 2011.

3- Cf. Barjamovic 2012, 44. For suppression of historical detail in Achaemenid royal inscriptions, see Sancisi-Weerdenburg 1999; Briant 2002, 552-53; Stolper 2005, 22; Rollinger 2014.

برای مکاتبات دیپلماتیک از پیشینیان هخامنشیان، به عنوان مثال بایگانی سارگون دوم، ببینید:

(Parpola 1987; Parpola and Watanabe 1988; Lanfranchi and Parpola 1990; Fuchs and Parpola 2001).

4- Cf. Briant 2002, 5-9; Harrison 2002, 119-21; Harrison 2011b, 44-51; Waters 2014a, 13-18.



اسپارت و ایران د. م. لونیس پیشگام رویکردی یکپارچه در شواهد یونانی و هخامنشی بود و با استفاده از لوح‌های تازه منتشر شده در مورد پارسه، برای روشن کردن نقش تشکیلات دیوانسالاری، به جمع‌آوری داده‌ها و شبکه‌های ارتباطی در تکوین رویکرد شاهنشاهی می‌پردازد.<sup>۱</sup> اما چهل سال بعد، مطالعه مختصر لونیس با وجود تکامل بعدی مطالعات هخامنشی به عنوان یک رشته دانشگاهی، تنها درمان کامل دوره مداخله‌گرایانه است. چند منبع جدید پیدا شده است، مهمتر از همه، اسناد گمرکی مصر، برای مطالعه اقتصاد مدیترانه شاهنشاهی بسیار ارزشمند است.<sup>۲</sup> تفاسیر برخی از کارهای جدید به روشنایی امور دیگر کمک کرده است مانند کتیبه لیکیان بر روی استیل کسانتوس، که به فعالیت‌های جنگ پلوپونزیایی حاکمان دست‌نشانده ایرانی در جنوب غربی آناتولی می‌پردازد.<sup>۳</sup> رویکردهای میان رشته‌ای بر دیدگاه‌های خاورمیانه یونانیان، تبادل فرهنگی بین ایران و آتن و شبکه‌های تجاری که از مرزهای شاهنشاهی عبور کرده‌اند، امید تازه‌ای به وجود آورده است.<sup>۴</sup> مهمتر از همه، دانشمندان توجه مثبتی به شاهنشاهی هخامنشیان، درک جهان پیرامون و نمایش ایدئولوژیک در روابط خود با افراد و همسایگان داشته‌اند.<sup>۵</sup>

1- Lewis 1977, 3-26; Hallock 1969.

2- Porten and Yardeni 1993, C3.7; Yardeni 1994; Lipinski 1994; Briant and Descat 1998.

3- Melchert 1993; Schür 1998; Thonemann 2009.

۴- برای دیدگاه‌های خاور نزدیک و هخامنشی از یونانیان ببینید:

Sancisi Weerdenburg 1980 and 2001; Kuhrt 2002; Rollinger 2006a; Root 2007; Rollinger and Henkelman 2009.

برای تعامل فرهنگی ایرانیان آنتیان، به Miller 1997 مراجعه کنید و برای تجارت ببینید:

Van Alfen 2002, 2012, and 2016; Lewis 2011 and 2016; Rutishauser, forthcoming.

5- See Herrenschmidt 1976; Root 1979 and 2012; Briant 2002, 204-54; Brosius 2005; Lincoln 2007; Rollinger 2011, 2013, and 2015.

این پیشرفت‌ها در تاریخ‌نگاری هخامنشی امکان تغییر مفهومی را در بررسی روابط یونان و ایران بین ۴۵۰ و ۳۸۶ فراهم می‌آورد. این دیدگاه سنتی، که توسط لویس و دیگران توضیح داده شده است، هدف اصلی ایران در غرب آناتولی را بازسازی و دفاع از سرزمین‌های یونانی ایونی در مواجهه با تجاوز آتنی‌ها و اسپارتنی‌ها پیش‌بینی می‌کند.<sup>۱</sup> اما این تئوری که رهبران پارسی از طریق استراتژی‌های متعادل‌کننده دفاعی، به طولانی شدن مناقشه آتنی‌اسپارتنی دامن زده‌اند تا از رویارویی مستقیم با آنها جلوگیری کنند، بر شالوده‌های ضعیفی استوار است.

شواهد ایدئولوژیک پارسی به انگیزه‌های بلندپروازانه‌تر اشاره می‌کند و این تحقیق، مداخلات یونانی شاهنشاهی را با توجه ویژه به دو اصطلاح جهان‌بینی هخامنشی، ادعای برتری جهانی و دستورالعمل تأمین ثبات در مناطق هرج و مرج در حاشیه جهان، مجدداً مورد بررسی قرار می‌دهد. این آرمان‌های نمادین، در کنار دستیابی به منافع اقتصادی و سیاسی، برای این استدلال که در فصل‌های زیر به تفصیل درباره آنها بحث می‌شود، حائز اهمیت است - حاکمان هخامنشی نه تنها به کنترل ایونیه علاقه داشتند بلکه به دنبال راه‌های جدیدی برای گسترش سلطه شاهنشاهی بر شهرهای آن سوی دریا نیز بودند. ایران می‌بایست بیش از جنگ‌های همیشگی یونانیان، از دستیابی به صلح فرامرزی سود ببرد، که به آن اجازه می‌داد قدرت شاهنشاهی را از طریق حمایت از آتن، اسپارت یا هر دو به نمایش بگذارد.

1 Lewis 1977, 152-55; Lewis 1989, 230-32; Cawkwell 2005, 147-69.

### مدل سنتی: تعادل آتن و اسپارت

با فرض اینکه ایران سعی در حفظ ایونیه و تضعیف آتن و اسپارت از طریق طولانی کردن مناقشه آنها داشت، انکار پیروزی قاطع بر متحدین یونانی و دشمنان به تساوی توسط تحقیقات جدید تکرار شد.<sup>۱</sup> این بحث از مبحث توکودیدس در مورد فروپاشی نزدیک مشارکت ایران و اسپارت در ۴۱۱ سرچشمه گرفته است، هنگامی که تیسافرئیس، فرمانده داریوش، پرداخت کمک مالی به ناوگان متحدین و کشتی‌های فنیقی که او قول داده بود آنها را در اژه مستقر کند، قطع کرد آنها نتوانستند آن سفر دریایی را به اتمام برسانند. توضیح اینکه پلوپونزی‌ها به تیسافرئیس به دلیل ترجیح آتنی‌ها بر آنها مشکوک بودند، توکودیدس حتی توضیحی گمراه‌کننده تر می‌دهد و می‌گوید ایرانیان می‌خواستند هر دو طرف را در انتظار کمک‌های مورد نظر نگه دارند تا بی‌جهت منابع خود را، برای نبردی که می‌توانست سلطه طرف پیروز را در ایونیه برقرار سازد، هدر ندهند.<sup>۲</sup> فرضیه توکودیدس بر این واقعیت که فقط شاهنشاه می‌تواند به استقرار ناوگان پارسی دست بزند، دچار لغزش است اما بسیاری از محققان آن نقشه را به داریوش استناد می‌دهند و تیسافرئیس را به عنوان یک مجری صرف تلقی می‌کنند.<sup>۳</sup> برخی حتی حمایت‌های بعدی کوروش از اسپارت را به عنوان تضادی از علاقه طبیعی ایران به خرابکاری در تمام مبارزات یونانی ارائه می‌دهند.<sup>۴</sup>

1- Rawlinson 1875, 508-9; Meyer 1901b, 569, 602; Busolt 1904, 1439, 1514-15, 1567; Beloch 1914, 383-86; Sykes 1915, 233, 243; Olmstead 1948, 361, 369; Lateiner 1976, 289-90; Lewis 1977, 131, 135; Cook 1983, 209; D. Kagan 1987, 213; Dandamaev 1989, 263-65; Stronk 1990-91, 123; Briant 2002, 582, 597; Cawkwell 2005, 153-59; Wiesehöfer 2006b, 659, 653-65; Rung 2008, 32, 37; Hornblower 2008, 1004-5; Hunt 2010, 173; Wiesehöfer 2013, 279-80; Waters 2014a, 166, 185.

2- Thuc. 8.87.4.

3- Lateiner 1976, 278-79, 81-89; Briant 2002, 597; Cawkwell 2005, 153-59; Wiesehöfer 2006b, 664.

4- Rawlinson 1875, 509; Olmstead 1948, 369.

محققان همچنین نظریه‌های مشابهی را برای دوره‌های قبل و بعد از جنگ پلوپونزی پیش‌بینی کرده‌اند و نشان می‌دهند که اردشیر یکم اجازه کنترل موقت آتن بر ایونیه را داد درحالی‌که منتظر آینده نزاع آتنیان- اسپارتیان برای بازپس‌گیری مجوز بود، آن یکی اردشیر دوم صلح جداگانه- ای را با اسپارت در سال ۳۹۲ رد کرد زیرا او می‌ترسید شکست آتن او را از یک موازنه محروم کند و اگر پادشاه در سال ۳۸۷ به اسپارت کمک کرد برای این بود تا مانع از احیای نیروی دریایی آتن، در بازپس‌گیری قسمت- هایی از ایونیه، شود.<sup>۱</sup> اثر تجمعی چنین استدلال‌هایی باعث می‌شود تا تعادل دفاعی پاسخ پیش‌فرض ایرانیان در برابر بحران یونان، دفاعی باشد.

مدل تعدیل، شاهنشاهان هخامنشی را به‌عنوان تمرینی از واقع‌گرایی استراتژیک، برای محافظت از نقاط ضعف و خطرات پیشگویانه، که معاهداتی را می‌بستند و می‌شکستند، نشان می‌دهد. تفسیرهای واقع‌گرایانه، با تأکید بر محوریت ترس و علاقه به روابط بین‌الملل، در چندین دوره از تاریخ باستان، از یونان کلاسیک گرفته تا پادشاهی‌های هلنیستی و جمهوری رُم در حال گسترش، رویکردهای مولد ثروت داشته‌اند.<sup>۲</sup> اما یک چارچوب

۱- برای نظریه نخست، ببینید:

Dandamaev 1989, 256; Cawkwell 1997a, 119; Briant 2002, 582; Rung 2008, 32.

برای نظریه دوم ببینید:

Ryder 1965, 29; Hamilton 1979, 247-48; Keen 1995, 6-7; Cawkwell 2005, 166-67; Ruzicka 2012, 63.

برای تئوری سوم مراجعه کنید به:

Hamilton 1979, 307-8; Funke 1980, 149-50n60; Cawkwell 1981, 76; Hornblower 1982, 185; DeVoto 366-67; Quass 1991, 37; Hornblower 1994, 77; Jehne 1994, 35; Seager 1994, 114-16; Keen 1998c, 108; Debord 1999, 262; Hornblower 2011, 231-32. 1986, 201; Cartledge 1987, 366-67; Quass 1991, 37; Hornblower 1994, 77; Jehne 1994, 35; Seager 1994, 114-16; Keen 1998c, 108; Debord 1999, 262; Hornblower 2011, 231-32.

2- See Crane 1998; Eckstein 2003 and 2006; Hunt 2010, 154-84.

برای انتقاد از رویکردهای واقع‌گرایانه به روابط خارجی باستان، نگاه کنید به

London 2006 and 2010.

واقع‌گرایانه معمولی، نیاز به رقابت هژمونیک بین چندین کشور در دنیای «آنارشیک» دارد که در آن رقبا تلاش می‌کنند مواضع خود را حفظ کنند و از قدرت‌های دیگر جلوگیری کنند تا قدرت را برای دستیابی به تعادل حفظ کنند.<sup>۱</sup> چنین رقابت هژمونیک در منطقه، حداقل تا قبل از دوره استقلال مصر در قرن چهارم وجود نداشت. ایران هخامنشی یک قدرت جهانی «تک قطبی» بود که توسط شاخه‌های بسیار کوچک‌تر مانند شهرهای یونان احاطه شده بود و هیچ یک از آنها توانایی تسلط بر دیگری را نداشتند.<sup>۲</sup> استفاده از سیاست متعادل‌کننده برای روابط یونانیان ایران، خطر ورود آتن و اسپارت به عنوان رقبای تمام‌عیار شاهنشاهی را در پی داشت. اگرچه هر دو باعث ایجاد مشکلات موضعی در آناتولی غربی و گاه قبرس یا مصر شدند، اما جای تردید است که ایرانیان آنها را تهدیدی برای موجودیت شاهنشاهی خود به حساب آورند. همچنین نمی‌توان فرض کرد که حاکمان پارسی پس از خشایارشا، خود را از سرکوب چالش‌های یونان از طریق اقدام مستقیم نظامی ناتوان می‌دانند، به ویژه که ضعف‌های اوایل قرن پنجم، که در محافل دربار کمرنگ شده‌اند، در حافظه‌ها فروکش کرده بود.<sup>۳</sup>

با بررسی دقیق‌تر، تئوری توازن از نکته نظر مختلف بی‌اثر شده است. همانطور که آنتونی کین در مقاله مقدماتی خود «سیاست ایران در اژه» استدلال می‌کند شوهده محدود است و موارد اصلی تفسیرهای دیگر را تایید

1- See Waltz 1979; Sheehan 1996, 4-6; Crane 1998, 67; Eckstein 2006, 4-10; Low 2007, 24-30; Hunt 2010, 156.

2- Cf. Wohlforth et al. 2007, 163-65; Little 2007.

در مورد مصر مستقل به عنوان رقیب اصلی دولت ایران، ببینید:

Ruzicka 2012, xx-xxi, 3-13, 40-42.

3 برای تصورات ایرانیان از نتیجه تهاجم یونانی، ببینید:

Briant 2002, 540-42, 559-63; cf. Hunt 2010, 68-69.

می‌کنند.<sup>۱</sup> مفروضات بیشتر سرمشق تعادل پرسش‌های بعدی است. اگر قرار بود که اردشیر یکم از اختلاف آتنیان و اسپارتی‌ها سود ببرد، چرا او هنگام آغاز جنگ پلوپونزی هیچ اقدامی برای توازن قوای دریایی آنها انجام نداد؟ اگر هدف نقشه آتن در برابر اسپارت، تأمین امنیت ایونیه بود، چرا ساتراپ‌های داریوش دوم به جای اینکه اسپارتی‌ها را تحت حمایت خود قرار دهند تا نیروهای تضعیف شده آتن را به سرزمین یونان بکشند، یک ناوگان پلوپونزی را به ساحل خود دعوت کردند؟ اگر پادشاه فراخواند و سپس کشتی‌های فنیقی را برای ممانعت از پیروزی قاطع اسپارت به حاشا واداشت، چرا بعداً او کورش را برای کمک به آنها برای پیروزی اعزام کرد؟ پس از آنکه ایران در کنیدوس اسپارت را شکست داد، هنگامی که هر دو قدرت یونانی از یونیا رانده شدند و ظرفیت‌های دریایی خود را از دست دادند، چرا اردشیر دوم در جنگ کورینتی‌ها دخالت کرد؟

چنین مشکلاتی دیدگاه اصلی ایران را به عنوان تجدیدکنندگان پیروزی بر یونانیان آناتولی تضعیف می‌کند. تقریباً چهار دهه پس از صلح اواسط قرن پنجم، شاهنشاهان هخامنشی هیچ تلاشی برای دستیابی به این هدف فرضی نکردند. در سال ۴۱۳ و ۳۹۳، آنها از نزاع یونان در خارج از کشور به منافع دست یافتند، اگرچه ضعف آتن و اسپارت، اقدام یک جانبه را برای تأمین مرزهای ساحلی مجاز کرده بود. این سؤال که چگونه منافع دفاعی شاهنشاهی درگیر با اهداف دورتر است، نیاز به یک مدل تفسیر قوی‌تر دارد. برای بازسازی آنچه که شاهنشاهان پارسی انتظار داشتند از توافق با آتن یا اتحاد با اسپارت بدست آورند، باید در نظر بگیریم که چگونه آنها جایگاه و هدف شاهنشاهی خود را در جهان بزرگ‌تر درک کرده‌اند.

### تصویر برتری جهان ایرانیان

داریوش یکم یک ایدئولوژی شاهنشاهی با پیامدهای ماندگار در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. سنگ بنای آن مخلوق، قدرت بی‌حد و حصر ایران و جهانی گسترده «دور و دراز» بود که توسط خدای خالق، اهورامزدا وقف شد.<sup>۱</sup> این گوناگونی معانی بدیع شاهنشاهی و جهان، که بر اندیشه دینی ایران و سنت‌های دیرینه سلطنت میان‌رودان استوار بود، بلافاصله حاکمان بر امپراتوری‌های بعدی، از جمله پادشاهی‌های هلنیستی، روم و چین، اثر گذاشت و آنها نیز اقتدار خود را با اصطلاحات مشابه توصیف کردند.<sup>۲</sup> این امر حاکی از ادعای مالکیت، نه تنها بر ایالات ایران بلکه بر جوامع دوردست و مستقل مانند یونانیان خارج از کشور بود که به جای کنترل مستقیم تحت فشار قرار می‌گرفتند.

کتیبه‌های داریوش ادعا می‌کنند با التزام به تنبیه دشمنان ثبات را در سراسر جهان موجب شده‌اند و به تناوب به عنوان نمونه هرج و مرج جهانی به تصویر می‌کشند که در آن افراد پایین‌دست به وظیفه احترام به بالادست خود عمل نمی‌کردند و ضعیف طعمه قوی می‌شد و مردمان در زمین با یکدیگر درگیر شدند.<sup>۳</sup> برای مقابله با چنین شرایطی، اهورامزدا شاهنشاه را به تخت سلطنت رساند و او را به عنوان داور و مبارز کامل، مجهز به صفات منحصربه‌فرد برای اقدامات ترمیمی ساخت.<sup>۴</sup> فرمانروا، قهرمان‌وار با سرکوب تهدیدات، برای نظم جهانی، ادعا کرد که جوامع تحت تسلط را مجبور

1- DB §6-7; DNa §3-4; DPe §2; DSa §2; DSe §3; DZc §3; XPh §3. See Herrenschmidt 1976, 42-44, 47-49, 64-65; Root 1979, 147-61; Briant 2002, 172-80; Kuhrt 2002, 19-22; Lincoln 2007, 13, 22-25; Barjamovic 2012, 45; Waters 2016, 98-101.

2- See Nicolet 1991, 15-24; Whittaker 1994, 14-32; Mattern 1999, 169-70; Ando 2000, 320-29; Bang and Kołodziejczyk 2012; Strootman 2014.

3- DNb §2a; DSe §3-4.

4- DSe §4; DNa §4; DNb §2c-d, g-h; XPh §4a. See Root 1979, 182-83, 303-6; Briant 2002, 210-16, 225-28, 494-95; Brosius 2005, 149-55; Wiesehöfer 2006a, 125-27; Kuhrt 2007, 471-72, 503-5, 541-47; Root 2012, 55-57; Tuplin 2014a, 142-43.

می‌کند از خشونت بیشتر علیه یکدیگر خودداری کنند و در نتیجه یک دولت ایده آل «ایران آرام» به وجود آورد.<sup>۱</sup> این یک شرایط دائمی نبود و نیاز به تقویت جدی در هر نسل داشت. مردمان متلاطم مانند یونانیان و مصریان در غرب و سکاها در شرق، مرتباً بر نظم شاهنشاهی اختلال ایجاد کرده و فرصتی را برای شاهنشاهان جدید هخامنشی فراهم می‌آورد تا با یک تاکتیک دفاعی تهاجم را دفع کنند و دوباره شورشیان پیشین را در اجتماع در معرض شورش وفادار نگه‌دارند.<sup>۲</sup> شاهنشاهان همچنین ادعا کردند که از طریق مداخلات در اختلافات بین افراد دوردست، صلح جهانی را حفظ می‌کنند. عزم راسخ ایرانیان در فرونشاندن نزاع‌های خارجی به ایرانیان این امکان را می‌داد تا ضمن تحمیل دین نمک‌شناسی از جوامع مورد نظر خود، به عنوان مدافع عدالت از یک امر اخلاقی برخوردار باشند.<sup>۳</sup>

داریوش و ورثه او این پیام را از راه‌های مختلفی، از جمله تیراژ احکام ترجمه شده، به تصویر کشیدن عظمت سلطنتی روی سکه‌ها و مهرها، اعطای هدایای افتخاری برای رعایای وفادار، تقاضانامه‌های باج و خراج و کارزارهای دریایی و نظامی فراتر از مرزها، منتشر کردند.<sup>۴</sup> آنها حمایت هر دو طرف داخلی و خارجی را به سمت خود جلب کردند و وفاداری به شاهنشاه در خانواده سلطنتی و اشراف پارسی را ارتقا دادند. در روابط با

1- DSe §4; see Root 1979, 310–11; Brosius 2005, 138, 140–42, 147–49; Brosius 2010, 33; Brosius 2012, 151–52; Wiesehöfer 2006a, 124–27.

2- See Gabrielsen 2008, 23–26; Brosius 2012, 155–58; Waters 2016, 98–102; Lee 2016a; Dusinberre 2016. Compare Rome's pursuit of allegiance from former enemies (Mattern 1999, 171–83).

3- DSe §4; cf. Harrison 2011b, 126; Harrison 2015, 33.

برای تعامل بین ادعاهای اخلاقی و علاقه شخصی به مداخلات خارجی کشورهای یونان، نگاه کنید به

Low 2007, 210–11; Hunt 2010, 154–84.

4- See Haubold 2012, 12–14; Rollinger 2013; Dusinberre 2013, 49–63.



اقوام تحت سلطه، آنها به دنبال بازداشتن مقاومت افراد از طریق تصویرسازی از توان بالای نظامی و مشروعیت دینی برای فتوحات خود بودند، اما آنها همچنین با تأکید بر منافع صلح شاهنشاهی، به دنبال جلب همکاری نخبگان ایالات نیز بودند.<sup>۱</sup> شاهنشاهان پارس با همه رجزخوانی از قدرت مطلق خود، کاملاً از محدودیت‌های عملی در مورد گسترش قدرت آگاه بودند. ادعای حاکمیت جهان نیازی به قصد واقعی برای فشار آوردن مستقیم به حکومت‌های انتهایی زمین نداشت.<sup>۲</sup> در عوض، طنین نمادین آن به اندازه کافی گسترده بود تا تعامل‌های متنوع سیاسی با انواع مختلف مردم و قلمروها را در بر بگیرد. هخامنشیان هسته شاهنشاهی خود را به ایالاتی که

---

۱- Jacobs 2010, 110-11؛ برای یک دید محدود از خانواده سلطنتی به عنوان مخاطب اصلی کتیبه‌ها و هنر کاخ استدلال می‌کند. Rollinger 2015, 121-27، ترغیب‌کننده‌تر استدلال می‌کند که پادشاهان پیام‌های ایدئولوژیکی را به مخاطبان گسترده شاهنشاهی اعم از نخبگان و افراد ایرانی ارسال می‌کردند؛ نگاه کنید به:

Dusinberre 2013, 76-81; Wu 2014, 259-71.

برای انتخاب بین مخاطبان داخلی و خارجی با توجه به ادعای حاکمیت در جهان، به Barjamovic 2012, 51 مراجعه کنید. برای تبلیغات فتح (e.g., DNa §4; DZc §3).

مراجعه کنید به:

Briant 2002, 182, 213; Brosius 2005, 138, 156-57; Lloyd 2007, 106-7; Tuplin 2010, 258-59; Harrison 2011b, 86-88; Filippone 2012, 106; Tuplin 2014a, 143; Harrison 2015, 20-21.

برای «مشروعیت جلوه دادن» ایدئولوژی‌ها، ببینید:

Briant 2002, 79; Brosius 2005, 159; Dusinberre 2013, 49; Waters 2014a, 150; compare Ando 2000, 5, 24.

اینها ممکن است به عنوان تبلیغ تلقی شود و واقعیت‌های بهره‌برداری را روشن کند (Lincoln 2007, 32, 95; Harrison 2011b, 84-90; cf. Maier 2006, 61)، اما برای

سرمایه‌گذاری نخبگان رعایا در نظم شاهنشاهی، امنیت و ادعاهای اخلاقی، ببینید:

Kozuh 2009, 291-92; Harrison 2011b, 126; Miller 2013, 27-28; Harrison 2015, 34; cf. Mann 1986, 23; Richardson 2014, 81-82; Hunt 2010, 3-7. 2- Wiesehöfer 2004, 215-16; Rollinger 2013, 108-9.

تحت کنترل ساتراپ‌های پارسی اداره می‌شدند تقسیم کردند، اما آنها همچنین استقلال جزئی را به دست‌نشاندگانی از قبیل پادشاهان دولت-شهرهای فنیقی واگذار کردند. آنها با افراد دوردست و خودمختار از طریق مبادله دیپلماتیک، برخورداری از اطاعت و احترام بدون اخذ مالیات مستقیم از آنها، نصب فرمانداران یا ایجاد پادگان، سر و کار داشتند.<sup>۱</sup>

این مقوله پایانی شامل یونانیان در سراسر دریا بود. از دیدگاه پارسی‌ها، گیرندگان تحت تاثیر در مسافت‌های طولانی هنوز هم در بین اعضای نظم شاهنشاهی جهان شمرده می‌شوند، اگرچه صحبت از آنها به عنوان «دست-نشانده» برای تأکید بر تمایز اداری آنها از رعایای ایالات بسیار مفید است.<sup>۲</sup> در اواسط قرن پنجم، پس از شکست حمله خشایارشا، مأموران پارسی اصطلاحات یونانی «دوستی» ("filia") را برای شهرهای وابسته تا اندازه‌ای نسبت به انقیاد، در تعدادی واژگان پذیرفتند.<sup>۳</sup> با این وجود چنین توافقی‌های دیپلماتیک در موقعیت و منابع بیشتر ایران ریشه داشت و امتیازات استقلال و قلمرو مفهوم برتری شاهنشاه را برنیاخت، حتی اگر این برتری از نظر حمایت هژمونیک تأیید شود.<sup>۴</sup>

۱- برای تأثیر و نه کنترل مستقیم در حاشیه‌ها، ببینید:

Hornblower 1994, 63; Wiesehöfer 2004, 217–18; Brosius 2010, 33; Brosius 2012, 162–63; Khatchadourian 2012, 966; Rollinger 2013, 109; Kuhrt 2014, 117–18;

نگاه کنید به Parker 2006, 84; Potter 2013, 319. Dusinberre 2013  
در آناتولی را از نظر دوگانگی بین اقتدار شاهنشاهی و امتیازات استقلال تحلیل می‌کند؛

مقایسه کنید با: Khatchadourian 2016, 21–23.

2- Cf. Keen 1998c, 108; Briant 2002, 766–67, 1035–36; Barjamovic 2012, 52; Kuhrt 2014, 117–18. On client states in Roman foreign relations, see most recently Baltrusch and Wilker 2015.

3- Waters 2014b, 333–34; cf. Tavernier 2014, 319.

4- Cf. Waters 2016, 95.

برخوردهای ایرانیان با یونانیان با برداشتی نمادین از جغرافیای جهان، که باعث شده است دریاها خطوط تقسیم بین مناطق نظم کیهانی و آتارشی را تحت تأثیر قرار دهند، تحت تأثیر قرار گرفت.<sup>۱</sup> سنت شرق نزدیک باستان، جهان متمدن را با حجم بزرگی از آب احاطه کرده است، که ورای آن قلمروهای بیابانی خطرناک قرار دارد. فقط قهرمانان فوق بشری، همانطور که شاهنشاهان بزرگ خود را ارائه دادند، قادر به عبور از آن بودند تا هرج و مرج را در ضلع دور مرتفع کنند. داریوش یکم و خشایارشا از طریق کارزارها و دیپلماسی در مرزهای اژه و دریای سیاه با استفاده از برخوردها با یونانیان، این اسطوره شاهنشاهی را به نمایش گذاشتند تا گسترش اقتدار خود را تا انتهای زمین نشان دهند.<sup>۲</sup> هرودت، پدر نوشته‌های تاریخی یونان، ادعا می‌کند که ایرانیان «خود را به بهترین وجه، بهترین بشر در همه چیز می‌دانستند... و بدترین را آنهایی می‌دانستند که به لحاظ مسافت دورتر از آنها زندگی می‌کرد.»<sup>۳</sup> با این حال، این حاشیه بودن به یونانیان خارج از کشور موقعیت خاصی را در روابط خارجی با ایرانیان رقم زد.<sup>۴</sup>

برخی از محققان اهمیت ایدئولوژی توسعه‌طلبانه را پس از تحرکات فتح شده‌های غربی روسیه از بین بردند.<sup>۵</sup> با این وجود تردید وجود دارد که

۱- واقعیت، دریاها کمتر از مرزهای بسته نسبت به بزرگراه‌های ارتباطی، تجاری و تبادل فرهنگی عمل می‌کردند (Whittaker 1994, 99-101; Parker 2006, 83).

2- DB §74; DZc §3; DPg; see Briant 2002, 179; Kuhrt 2002, 13-19; Allen 2005, 46-47; Haubold 2012, 6-14; Rollinger 2013; Rollinger 2014, 198-99.

3- Hdt. 1.134.2; cf. Tuplin 2011b, 43.

4- Cf. Wu 2014, 258, on Persian-Saka relations.

۵- برای فازهای «گسترش طلب» و «بعد از گسترش» در تاریخ هخامنشی، به

Wiesehöfer 2007, 13-16, 2009, 66. برای تغییر رفتار دفاعی در مرز اژه در سلطنت

بعدی خشایارشا یا اردشیر یکم، ببینید:

Balcer 1984, 23-25, 30; Lincoln 2007, 13, 94-96; Ruzicka 2012, 34; cf. Haubold 2012, 17-18.

شکست‌های نظامی در اثره باعث شده هخامنشیان آرزوهای قدرت جهانی را از خود دور کنند.<sup>۱</sup> نقوش هنری که تحت عنوان داریوش یکم ساخته شده است و ملت‌های جهان را برای تحمل تاج و تخت شاهنشاهی و یا راهپیمایی در هماوایی برای تحویل هدایای به حاکم جهان، که در قرن چهارم تکرار شد، ترسیم می‌کنند. حفظ آنها نشانگر استمرار ایدئولوژیک است، حتی اگر روشهای شاهنشاهی با اوضاع ژئوپلیتیکی تغییر کنند.<sup>۲</sup> شکستهای خشایارشا، اگر در دربار تصدیق شود، ممکن است فرصت‌هایی برای حاکمان بعدی ایجاد کند تا از دستاوردهای اجدادی فراتر رود و پیروزی نظامی تنها وسیله‌ای برای انجام این کار نبود. موافقت‌نامه‌های صلح بدون نبرد تعیین‌کننده یا اتحادهایی که به موفقیت در دست‌نشانندگی یونان ختم می‌شود بدون الزام به سربازان یا کشتی‌های پارسی، با این وجود می‌توانند طرح یک تحول در نفوذ در جوامع آن سوی دریا را با خطر و هزینه کمتری نسبت به ماجراهای خشایارشا تبلیغ کنند.

تلاش برای بازسازی سیاست خارجی هخامنشی تنها بر اساس بازنمایی‌های ایدئولوژیک، خطرناک خواهد بود.<sup>۳</sup> اظهارات نیت‌خیرخواهانه برای تحمیل نظم جهانی، آشکارا بر اهداف خاص و منافع ناگفته نقاب زده شده، برجسته شده است. یک خوانش واقع‌گرایانه ممکن است ادعای پارسی‌ها را مبنی بر اینکه آنها ثبات را برای یونانیان خارج از کشور به عنوان صفحه نمایش برای اقدامات واقعی خود در پیشبرد تهدیدات خارجی برای دفاع از آناتولی خود به ارمغان آورده‌اند، رد کند. اما تخفیف مواضع ایدئولوژیک شاهنشاهان به عنوان حاکمان جهان هنگام تلاش برای درک چگونگی دفاع

1- Cf. Waters 2016, 97.

2- Cf. Rung 2008, 50; Kozuh 2009, 289; Wiesehöfer 2009, 85.

همچنین برای بازنشر کتیبه‌ای از کتیبه‌های داریوش یکم در الفانتین را در زمان سلطنت داریوش دوم مشاهده کنید:

(SimsWilliams 1981; Greenfeld and Porten 1982, 46–47; Tavernier 1999; Rollinger 2015, 122–23).

3- Cf. Tuplin 2010, 258–59; Barjamovic 2012, 58.

از قابلیت‌های دفاعی ایران و درک آنها از چگونگی رعایا و نخبگان شاهنشاهی از آنها انتظار می‌رود که نسبت به مردم خارجی رفتار کنند، به همان اندازه مشکل‌ساز خواهد بود. نمایش قدرت و توسل به دستورالعمل‌های اخلاقی، فاکتورهای اساسی در تصمیم‌گیری شاهنشاهی بودند، حتی اگر آنها مانع از نفع بیشتر علاقه خود به منافع اقتصادی یا امنیت سرزمینی نمی‌شدند.<sup>۱</sup>

### یک رویکرد جدید: جاه‌طلبی و محدودیت در روابط یونانیان ایران

این یک سوال نهایی را ایجاد می‌کند، که برای بحث در آینده ضروری است: چگونه کوشش‌های ایران برای مطابقت با تصویر تسلط جهانی با اهداف عملی و محدودیت‌های بیشتر در مورد اعمال قدرت، انطباق دارند؟ بررسی روابط یونانیان و ایرانیان نیازمند توجه به فعل و انفعال بین مفاد ایدئولوژیک و جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی هر برخورد مهم دارد.<sup>۲</sup> در نظر گرفتن سه مورد اخیر برای توضیح رابطه بین ادعاهای جهانی‌سازی ایران و روش‌های شاهنشاهی که از درگیری نظامی جلوگیری می‌کند، مانند تصمیم برای صلح با آتن و تأمین بودجه یک ناوگان اسپارتی بدون استقرار کشتی‌های جنگی خود ایران ضروری است.

از نظر اقتصادی ممکن است انتظار یک شاهنشاه پارسی ازدخالت در یک نزاع خارجی، خارج از میلش برای بدست آوردن قلمرو و کسب

1- Cf. Mattern 1999; Lendon 2002, 2006, 2010; Hunt 2009.

2- Cf. Brosius 2012, 153–55.

برای تعامل بین جریان‌های عملی و ایدئولوژیک در تعامل دولت یونان و روم، نگاه کنید به:

Mattern 1999, 81–210; Low 2007; Hall 2007, 86–87; Hunt 2010, 154–84;

Edwell 2013, 47–48.

Mann 1986, 22–30، الگوی ارزشمندی از قدرت دولتی را ارائه می‌دهد که با ابعاد

عقیدتی، اقتصادی، نظامی و سیاسی ترکیب می‌شود؛ مقاسه کنید با: Cline and Graham

درآمد و عایدی باشد. نتیجه قابل توجه دخالت شاهنشاهی در جنگ پلوپونزی، که در صلح شاهنشاه در ۳۸۶ تأیید شد، بازگرداندن مالیات شاهنشاهی از شهرهای ایونیه بود. با این حال اشتیاق برای این وجوه نمی‌تواند به تنهایی توضیحی برای رفتار ایرانیان باشد، زیرا اردشیر یکم و داریوش دوم مایل بودند در نیمه دوم قرن پنجم برای مدت طولانی بدون آنها بمانند. در عوض، به نظر می‌رسد که در طول این دوره، حاکمان ایرانی با سنجش مزایای مالی مداخله در برابر هزینه‌هایی که ممکن است برای تأمین یک پیروزی قاطع لازم باشد، به این نتیجه رسیدند که خراج ایونی ارزش هزینه استرداد آن را ندارد. توضیح دقیق‌تر رفتارهای شاهنشاهی نیاز به برآورد ارزش خراج و هزینه بارانه‌ها و عملیات دریایی و همچنین توجه به تأثیر فعالیت‌های اقتصادی مرتبط از جمله تجارت در مسافت طولانی بین رعایای ایران و آتن دارد. توجه به مکانیزم‌های حمایت مالی برای متحدان ایران و فشارهای ناشی از پرداخت یارانه‌ها به ساتراپ‌ها و فرماندهان، که از سوی آنها سعی در تهیه این کمک‌ها بدون حمایت مالی مستقیم از شاهنشاه می‌شد، بسیار مهم است.

در سطح سیاسی، گزینه‌های جنگ یا صلح در مرزهای یونان مدیون یویایی تعامل بین شاهنشاه و نمایندگان بود. این دلیل، استدلال می‌کند که یک حاکم تثبیت شده در پیروزی‌های اولیه، مانند اردشیر یکم، ممکن است روش‌های کمتر رویارویی را بدون آسیب رساندن به چهره خود اتخاذ کند. نیاز به نمایش قدرت جهانی ممکن است در شرایط سیاسی خطرناک‌تر فوریت بیشتری به دست آورد. در پی شورش‌های داخلی و جنگ‌های داخلی در میان نخبگان پارسی، مانند چالش پسوتنس برای داریوش دوم و درگیری بین کورش و اردشیر دوم، اقدام تهاجمی که به مدد دشمنان دست‌نشانده و گوشمال داده شده در حاشیه شاهنشاهی مجازات انجام شد،